اصرار محمد علی شاه به آمدن اتابیک به ایران

دانش، تقی

شاه را چنین یقین بود که اگر به طهران آید کار او با ملت اصلاح میشود و تکالیف‏ مجلسیان با او آسان و چنین میدانست تمام آن آشوب و درخواست مشروطه از عناد با عین الدوله و به وجود او منظور ملتیان بعمل آمده از خروش باز می‏نشینند.بیچاره را باصرار فزون از حد بایران آورد و هدف تیر بلا کرد.

روزی دو قبل از واقعه قتل او بدربار آمد و از پیش شاه بازگشته بود و کس ندانست‏ که او به شهر است،گمان شمیران میکردند از آن بود که از درباریان کس بدربار نبود و ناهار هم تدارک نشده،اتابیک در نهایت تفکر بیامده بر صندلی بنشست و پس از تفکر بخواب شد و من دور از او منفرد در آن اطاق نشسته بودم و نتوانستم برون شدن از آنکه‏ حرکت و آوای درب اطاق او را بیدار میداشت.پس از مدتی چشم بگشوده مرا فرمود بگو چای بیاورند.حسن اتفاق آن شد که چای حاضر کرده بودند،چای بیاوردند و اتابیک‏ بعمر بجز قلیان چنین نمی‏کشید و عین الدوله و برادرش آقا وجیه سپهسالار و امیر بهادر جنگ هم قلیانشان کوزه و آن را سر شیرازی می‏بستند،اتفاقا قلیان چنین حاضر بود و بیاوردند،پس از صرف قلیان از جای بخاست و رفت و به کالسکه نشسته به شمیران رهسپار گشت و من نمیدانستم که دو روز بعد به مجلس وعده کرده که از شمیران به مجلس آمد و کارها اصلاح شود و آنهمه فکر که او را آنروز در دربار احاطه کرده بود و در فکر بخفت معلوم شد از دغدغهء با مجلسیان و این کار مشکل بوده اگر اختیار کل را با نمایندگان مجلس تصدیق کند با شاه و عقیدهء او چه کند و اگر پیرو منظور شاه گردد جواب مجلس و ملتیان را چه گوید.شوریم‏ النشور برخیزد به اسلوب بل امر بین الامرین که نه جبر باشد نه تفویض نقشه‏ای بر صفحه و لوح خاطر او را میرفت دو روز بعد من بی‏خبر از آمدنش بشهر،به عزم تفرج به خیابان‏ نظامیه درب مجلس رفته قدم میزدم و چون در سه روزنامه:ندای وطن و ثریا و کشکول‏ از سخنان نثر و نظم من می‏نگاشتند آن جراید بر دست من بود میخواندم و بر گوشه خیابان‏ قدم میزدم بناگاه چشمم بر محمد صادق بیک کالسکه‏چی اتابیک افتاد که با کالسکه اتابیک‏ بر درب مجلس ستاده،دانستم در مجلس آمده یکساعت به تقریب بیشتر از آن بعد مدت آگهی بمنظور تولید قسمتی از سبزیجات مورد مصرف ساکنین پایتخت و همچنین استفاده‏ بیشتر از آب مصرفی منازل و اماکن تهران که در حال حاضر بخش عمده آن صرف آبیاری‏ چمن‏ها-گیاهان زینتی و نباتات غیر مثمر میگردد طرح سبزیکاری منازل از سال جاری‏ بوسیله سازمان ترویج کشاورزی بمرحله اجرا گذارده میشود.

در اجرای طرح مذکور از تاریخ 28/1/2536 تعداد 2 میلیون نشاء گوجه‏فرنگی، بادمجان و فلفل در محل پارکهای شاهنشاهی-فرح و نیاوران از قرار هر نشاء 5/2 ریال‏ (پس از احتساب 50%بخشودگی در بهای آن)در اختیار متقاضیان گذارده میشود.

علاوه بر راهنمائی و کمکهای فنی که از طرف کارشناسان وزارت کشاورزی و منابع طبیعی‏ بعمل خواهد آمد بروشور و دستورالعملهای لازم بین علاقمندان توزیع میگردد.

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

نشد که اجماع مجلس پراکنده و بطرف درب مجلس می‏آمدند.در قرب درب خیابان گرد و خاک شدید برخاست که بعد معلوم شد بدست ریخته بودند و بانک مهیب هفت تیر یا دو تیر دیگر نتوانم بنویسم چون شد و چه غوغا رفت صبح فردا قصه عباس ترک در افواه افتاد بخانهء اتابیک رفتم عضد الملک و اجماعی در وسط باغ بر اطراف حوض بر سکوها نشسته‏ من و مرحوم حاج میرزا سید علی سادات اخوی بر بالای باغ بطرف حوضخانه رفتیم،نقش‏ اتابیک بر تختی در دالان حوضخانه بود که بر او طاقه شالی افکنده بودند.فاعتبر و ایا- اوالابصار.به اطاق رفتیم حاج مشیر اعظم پسر دویمین اتابیک در شرف عزیمت به قم بود که حمل جنازه پدر کند.

از قتل اتابیک چیزی چندان نگذشت که مجلس را محمد علی شاه به توپ بست‏ خلقی تلف شدند.

جهانگیر خان صور اسرافیل و ملک المتکلمین واعظ و یکی دو تن را در حضور خویش‏ بباغ شاه کشت سید جمال واعظ اصفهانی را که از پیشقدمان مشروطه بود کار سخت افتاد، در جامه خربندگان و مکاریان درآمده خود را به همدان رسانید در آنجا به چنگ حکومت‏ افتاد به امر سلطنت سرش را به زیر ارسی درب اطاق گذاشتند و خفه کردند...